
نخست

من نمی دانم

من نمی دانم!

این ها شامل سه کلمه نبودند که انتظار شنیدن آن را از شخصی با درجه و قد و قامت او در زندگی داشتم - وکیل خبره و پرآوازه شهر لس آنجلس. با هم سر میز ناهار نشسته بودیم و بحث به مسائل معنوی کشیده شد. از او پرسیدم که آیا مطمئناً می داند که به بهشت می رود یا خیر؟

و سپس آن سه کلمه را گفت: «من نمی دانم.»

متوجه باشید، ما در مورد مردی صحبت می کنیم که کارش دانستن چیزهاست بنا به طبیعت کاری که دارد، او باید تقریباً همه مسائل را موشکافی کند و خود را به آن ها آگاه کند. اگر وکیل دادگستری هستید، مطالعه می کنید، یاد می گیرید، شواهد را بررسی می کنید و به نتایج محکمی می رسید. سپس شما این نتایج را در دادگاه ارائه می کنید و آنها را با قدرت اعتقاد شخصی به حقایق و تعهد به اجرای عدالت، به گونه کاملاً حرفوی و با برخورداری از منطق قوی گفتاری استدلال می کنید.

و با این حال، وقتی صحبت از زندگی پس از مرگ شد و جایی که او ابدیت را در آن خواهد گذراند، پاسخ او همانی بود که من نه یک بار، بلکه هزاران بار شنیده ام: «نمی دانم.»

البته انواع مختلفی از این عبارت وجود دارد. اگر شما از چند نفر بپرسید: «اگر قرار بود بمیرید، آیا مطمئناً می دانید که به بهشت می روید؟» قطعاً پاسخ های مشابهی خواهید شنید:

«نمی دانم.»

«امیدوارم اینطور باشد.»

«من اینطور فکر می کنم.»

«احتمالاً.»

«چون من آدم خیلی خوبی هستم، باید به بهشت بروم.»

«شاید.»

وقتی با دوستم که در آن زمان دادستان شهر لس آنجلس بود صحبت کردم، او نیز امیدوار بود که به بهشت برود. اما او هم مثل خیلی های دیگر مطمئن نبود و نمی دانست چگونه می تواند مطمئن باشد که حتماً به بهشت می رود.

آیا می توانیم برای یک لحظه وانمود کنیم که من و شما روی یک میز ناهار نشسته ایم؟ و آیا می توانم همان سؤالی را که از دوستم پرسیدم، از شما بپرسم، «آیا مطمئن هستید که ابدیت را در بهشت خواهید گذراند؟»

آنچه شما نمی دانید می تواند به شما آسیب برساند

این ضرب المثل را شنیده اید که «آنچه نمی دانید نمی تواند به شما آسیب برساند»². این ممکن است در چند موقعیت درست باشد، اما مطمئناً درست نیست وقتی این ندانستن شما شامل بزرگترین و عمیق ترین سوالات زندگی این جهان و زندگی پس از مرگ باشد.

چنانچه می دانید، ما بیش از یک بدن هستیم. ما صاحب روح هستیم یعنی ما مجهز به چیزی فراتر از وجود فیزیکی و مادی هستیم که توانایی برقراری ارتباط عمیق با افراد دیگر، و همچنان ظرفیت ارتباط با خدا را دارد. ما روحی داریم که برای همیشه در جایی زندگی می کند - حتی پس از مرگ فیزیکی بدن ما.

و به همین دلیل است که آنچه ما نمی دانیم می تواند به ما آسیب برساند.

همچنین به همین دلیل است که خداوند حقیقت را برای ما آشکار کرده است - حقیقت وجود خود در مورد زندگی پس از مرگ و در مورد هدیه که برای ما فراهم کرده است.

به همین دلیل است که خداوند از ما می خواهد که پاسخ بزرگترین سوالات مرتبط به زندگی را بدانیم.

عیسای مسیح به ما می گوید که شناخت حقیقت، ما را آزاد خواهد کرد: «و حقیقت را خواهید شناخت و حقیقت شما را آزاد خواهد کرد» (یوحنا 8:32).

اگر می توانستید بدانید چه؟

این سوالی است که من از دوستم که وکیل شهرمان نیز است، پرسیدم: «اگر می توانستی در مورد زندگی ابدی خود بدانی چه می شد؟»

بسیاری از مردم امیدوارند کار خوب، یادگیری مداوم، ذهن باز یا تلاش صادقانه آنها برای رفتن به بهشت و تضمین زندگی ابدی، برای شان کافی باشد. و با این حال، خدا به ما وعده داده است که می توانیم با اطمینان بدانیم که زندگی ابدی و خانه آینده در بهشت داریم.

می بینید، خدا می خواهد که ما بدانیم. او حتی به ما گوید: «این چیزها را برای شما که به نام پسر خدا ایمان دارید نوشتم تا بدانید که حیات جاودانی دارید و به نام پسر خدا ایمان آورید» (اول یوحنا 5:13).

خدا نمی خواهد که ما در مورد موضوع مهم زندگی ابدی دچار توهم و ابهام شویم. خدا با وضاحت در این مورد با ما صحبت کرده است و در این خصوص هیچ ابهامی وجود ندارد. بر مبنای همین وضاحت، من از شما می پرسم آیا می خواهید به ابدیت امیدوار باشید؟ یا دوست دارید در مورد آن بدانید؟

² بشر همواره از ندانسته هایش آسیب می بیند. آنچه را که نمی دانیم، مبدل به نقطه ضعف ما می شود و هر نقطه ضعف، می تواند نقطه آسیب پذیری ما نیز باشد.